

متروپل و مدیریت ویرانی

آذر منصوری

در کمال بهت و ناباوری ساختمانی که به متروپل آبادان معروف شده بود، فرو ریخت، ساختمانی نیمه‌کاره که بنا بر گزارش‌های منتشرشده هم استفاده می‌شد و هم مستحذات آن مرحله به مرحله در حال افزایش بود. اینکه مالک و مالکین چه کسانی بودند و چه سابقه‌ای داشتند و از چه رانتهایی برای ساخت این سازه غیرمقاوم استفاده کردند، سازمان نظام مهندسی چگونه بر احداث این بنا نظارت کرده که کار به اینجا رسیده، شورا و شهرداران وقت چه نظارتی بر روند ساخت و ساز این ساختمان داشته‌اند و مجموعه‌ای از این نوع پرسش‌هایی که باید به آن پاسخ کارشناسانه و دقیق داده شود و روشنگری‌های لازم صورت گیرد، امری بدیهی است. اما اینکه با همین وضع موجود و نوع مدیریتی که در شهرها وجود دارد، می‌شود از وقوع و تکرار چنین فجایعی پیشگیری کرد، محل تردید بسیار است، حالا هر چه از صدر تا ذیل مقامات و شخصیت‌ها هم در پیام‌های خودشان روی این مساله تاکید و اصرار کنند هم نمی‌تواند هیچ تضمینی برای پیشگیری به دنبال داشته باشد. هر آن ممکن است در شهری دیگر که مقدمات مخرب آن فراهم است این فاجعه تلخ و رسوا بار دیگر تکرار شود. فاجعه‌ای که زخم‌های آن تا سال‌ها بر پیکر خانواده‌ها و شهروندان سوگوار آبادان و چه بسا همه ایران باقی می‌ماند و التیام پیدا نمی‌کند. خسارت‌هایی که هیچ راهی برای جبران آن وجود ندارد. فجایعی که چون در وقوع آن ناکارآمدی و فساد و سوءمدیریت موج می‌زنند، خشم و اعتراض مردم را هم ضمیمه خود خواهد کرد. خاصه آنکه کار آواربرداری و یافتن جانباختگان این فاجعه هم به درازا کشیده است و هنوز خانواده‌ها در انتظار یافتن نشانی از عزیزانشان چشم بر این ویرانه دوخته‌اند! اما اگر این فاجعه موجب نشود که توافقی بر سر اشکالات حکمرانی و مدیریت کشور شکل گیرد، فاجعه پشت فاجعه این ملک و ملت را رها نخواهد کرد. چرا که اولین گام برای پیشگیری از تکرار فجایع بعدی، سرپوش نگذاشتن بر عوامل و دلایل این ناکارآمدی است. عوامل و دلایلی که موجب شده حکمرانی در ایران روزبه‌روز از حکمرانی خوب فاصله بیشتری بگیرد. نسخه کوتاه‌مدت و بلندمدت پیشگیری از چنین فجایعی پذیرش الزامات حکمروایی خوب است. اگر تعریف ما از حکمرانی خوب به معنای

مجموعه‌ای از سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که در صورت وجود آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و از این طریق حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. باید ببینیم که فاصله ما با این نوع حکمروایی چقدر است؟ من این چند روز فرمان علی(ع) به مالک اشتر را دوباره مطالعه کردم. بدون تردید اگر مدیران و والیان شهرهای ایران به این فرمان باور و اعتقاد داشتند، شاهد وقوع چنین فجایعی نبودیم. در این فرمان از عوامل به وجود آورنده فساد و راه‌های کنترل آن، کارایی و اثربخشی دولت، الزامات ثبات سیاسی، نوع قوانین و قواعدی که مدیران برای بهبود حکمرانی باید مد نظر داشته باشند گرفته تا فصل‌الخطاب بودن قانون و حق اظهارنظر و نقد و مشارکت مردم تا پاسخگویی والیان دیده می‌شود. اولین الزام حکمرانی خوب به رسمیت شناختن حق دخالت، نظارت و مشارکت شهروندان بدون هیچ تبصره‌ای در اداره امور کشور و سرنوشت امروز و آینده خود است؛ پذیرش الزامات حاکمیت ملی که جامعه قدرتمند در تلازم جدی با آن است. در واقع حکمرانی خوب در گروی وجود جامعه‌ای قدرتمند است. متروپل را فساد ساختاری ویران کرد، باید دید عوامل به وجود آورنده این فساد چیست و چگونه می‌توان با آن مقابله و مبارزه کرد. فسادی که همه اندام و سازه متروپل را در بر گرفت و چون سازه را درگیر خود کرد، فرو ریخت. حکمرانی خوب مانع از درگیر شدن سازه‌های حکمرانی به فساد می‌شوند و لازمه آن پذیرش نظارت مردم از سازه تا همه کاربری‌هایی است که باید متناسب با نیاز شهروندان طراحی و اجرا شود.